

دبیر کمیته کردستان محمد آسنگران  
Tel: 00491635112025  
E-mail: moasangaran@googlemail.com

۷۱۴

ایسکرا

Tel: 0046720077654 تلفن تماس با ما

۲۳ بهمن ۱۳۹۲، ۱۲ فوریه ۲۰۱۴

سردبیر عبدالکبیریان

## جمهوری اسلامی حاصل انقلاب ۵۷ نیست



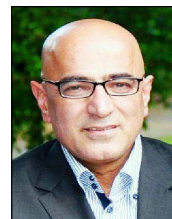
محمد آسنگران

در تاریخ ایران کمتر روزی وجود دارد که به اندازه واقعه انقلاب ۵۷ مورد مناقشه مخالفین و موافقین بوده باشد. سی و پنج سال قبل در این روز انقلاب مردم ایران توانست رژیم سلطنتی را سرنگون کند. رژیمی که تا یک سال قبل از آن سرنگونیش یک رویا به نظر میرسید. اصطلاح "دیوار موش" دارد و موش گوش دارد" تا یک سال قبل از انقلاب ۵۷ همچنان حکم میراند.

اما مردم عاصی از رژیم

صفحه ۳

## "جبهه متحد کرد" "تفاهم" و "مشارکت" بیهوده!



نسان نودینیان

جنایتکاری امثال روحانی مدال "دمکراسی" خواه آویزان کردند و اعلام کردند؛ «اکنون نیز آقای دکتر حسن روحانی کف مطالبات قانونی همه مردم، بویژه مناطق محروم و از جمله اقوام و مذاهب مختلف ایران، که در قانون اساسی تصریح شده اند را تأیید نموده و در بیانییه و مناظرات خود، اجرای آنها را تعهد و تضمین کرده اند. احساس ما در شرایط کنونی به عنوان ملت و مردمانی دارای اراده و آگاهی به حقوق و مطالبات خود، این است که در جهت حرکت گام به گام به سوی دمکراسی، از کاندیداهائی که بخشی از مطالبات مردم ما را تأیید کرده اند، پشتیبانی کرده»

"جبهه متحد کرد" بخشی از ستون نظام جمهوری اسلامی است. شغل نا شرافتمندانه اش نوکری به تمام معنی است. اینها برای انتخاب شدن «حسن روحانی» بیانییه دادند. امنیتی ترین فرد حسن روحانی - در نظام جنایتکار اسلامی را به عرش اعلا بردند. از او فرشته تجات ساختند. دروغ گفتند. و به گردن

صفحه ۲

## ۸ مارس روز جهانی زن را در ابعاد اجتماعی و توده ای برگزار کنیم



اعتراض به قوانین و سیاستهای زن ستیز اسلامی و اعتراض به آپارتاید جنسی در ایران بیش از همیشه در اعماق جامعه در حال جوشی است. جنبش برای طلبانه زنان در دل فضای سرکوب و اختناق راهها و مجاری ابراز وجود خود را پیدا کرده است. از کردستان تا تهران و از دانشگاهها تا کارخانجات و خیابانها، میدان رودرویی زنان و مردان برای طلب با حکومت و آپارتاید جنسی و کلیه قوانین ارتجاعی و ضد زن آن است. مراسمهای روز جهانی زن گوشه کوچکی از یک جنبش عظیم اجتماعی در ایران است. جنبشی که همراه با جنبش کارگری و سایر جنبش های اعتراضی و حق طلبانه بساط حکومت آپارتاید جنسی را در هم خواهد ریخت.

## «شوخان» فقط آرزو دارد دوباره ببیند



صفحه ۲

## کشتار مردم سوریه باید فوراً متوقف شود! برکناری فوری رژیم اسد کلید حل فاجعه سوریه است!

مذاکرات ژنو- ۲ و ریختن بمبهای بشکه ای بر سر مردم حلب بوسیله هفته گذشته در رابطه با مساله سوریه دو خبر در رسانه ها منعکس شد: بی نتیجه ماندن



صفحه ۶

شاه سرنگون شد، اما اهداف و آرمانهای آن انقلاب عظیم همچنان پا بر جاست!! / یدی محمودی زبان تهدید و تشدید سرکوب و ستم بر کارگران ایران راه به جانی نخواهد برد

صفحه ۴

صفحه ۸

## نگاه هفته مجموعه ای از رویدادهای هفته در شهرهای کردستان / نسان نودینیان

صفحه ۵

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱

## "جبهه متحد کرد"...

در بیانیه شان برای این جنایتکار رژیم اسلامی ولخرجی کردند به این هدف که در کردستان استانداری ها و فرماندارها را به آنها بدهند. و به آنها اجازه تشکیل "حزب" بدهند. روحانی "فانتازی" آنها را در هم کوید و عبدالمحمد زاهدی را از تهران به سنندج بعنوان استاندار کردستان، فرستاد. و التماس تشکیل حزب هم به هوا رفت. استاندار مزدور کردستان اخیرا اعلام کرده که اولویتش "امنیت" است. و

"جبهه متحد کرد" قصد داشتند در سنندج جلسه ای درون گروهی برگزار کنند که پلیس مانع برگزاری آن شد. شمار زیادی از نیروهای انتظامی اطراف خیابان "اردلان" سنندج و ساختمان "شرکت شتاو کردستان"، محل برگزاری جلسه، را به محاصره درآورده بودند.

"جبهه متحد کرد" از بدو تشکیل (۱) بارها اعلام کرده اند» خواستار گفتگو با مقامات است. می خواهیم با هم تفاهم داشته باشیم تا زمینه مناسب برای کار و فعالیتهای اجتماعی فراهم شود و

مسیر مشارکت مردم کرد هموار گردد». گفته اند» «ما خواهان ایجاد فضای محدود و رعب آور نیستیم. نمی خواهیم چنین فضایی ایجاد شود. اینجا شرایط چنین است و ما هم در چهارچوب این شرایط می خواهیم فعالیت کنیم. ممکن است برخی مقامات محلی مناطق کردنشین مخالف فعالیتهای ما باشند و دوست نداشته باشند این تشکل که در سطح وسیعی درحال گسترش است، نهادینه بشود. مخالفان آشتی بین کردها با ایران بسیاریند».

نوکری و کرنش جبهه متحد کرد برای جمهوری اسلامی تازه نیست. اینها نوکر و ستونی از مزدورانی را تشکیل میدهند که در طول سه دهه گذشته علیه مبارزات و خواستههای آزادیخواهان و رادیکال مردم در کردستان ایستاده اند. بارها رسوا و منزوی شده اند و به همان اندازه مورد تمسخر و تحقیر از طرف ارگانهای نظام جمهوری اسلامی قرار گرفته اند. (۱) جبهه متحد کرد در دوران ریاست جمهوری محمد خاتمی در سال ۱۳۸۴ اعلام موجودیت کرده.

## «شوخان» فقط آرزو دارد دوباره ببیند

می خواهیم بگویند که دقیقا چه اتفاقی برای دخترش افتاد «زمستان ۹۰ بود. دخترم سرما خورده بود بردمش درمانگاه دیواندره. دکتر برایش پنی سیلین تجویز کرد. به کسی که می خواست آمپول را تزریق کند گفتم که شوخان تا حالا پنی سیلین زده فکر کنم باید از دخترم تست بگیرد اول، اما او گفت که احتیاجی به تست نیست و تزریق کرد. درست یاد نیست که چه ساعتی بود «شوخان میان حرف پدرش می پرد «بابا شب بود من یادمه». بعد از تزریق پنی سیلین التهابات پوستی دخترک شروع می شود. در ابتدا فکر می کنند که برای سرما خوردگی و ناشی از حساسیت است اما این التهابات تا آنجا پیش می رود که دانه های درشت روی صورت و بدن دخترک منجر به این می شود که پوستش بترکد. هزینه ها را خودش داده. زیر بار قرض هم رفته بود. مردی که انگار از آشنایانش بود گفت تمام زندگی اش را فروخته. «عباسعلی براحسی»، پدر شوخان بعد از اعلام دخترش را پیش دکتر می برد و دکترها این علامت ها را ناشی از حساسیت پنی سیلین تشخیص می دهند. پدر شوخان گفت «بعد از

هدی احمدی - روزنامه اعتماد «شوخان» به کردی یعنی شادی. این معنی اسم دخترکی است که دیگر «شادی» کودکانه را در چشمانش مدت ها ست نمی شود دید. آرام کناری نشسته بود. فهمیده بود که می خواهند حقش را بگیرند اما نمی دانست کدام حق. خودش می گفت «شب بود سرما خورده بودم رفتم که خوب بشم اما خوب نشدم یک روز دیدم که همه دنیا تارک شد». کلافه می شد. بلند شد که برود اما چون نمی دید سرش محکم با میز جلوی پایش برخورد کرد، دوباره نشست. سکوت اطرافیانش بر جسم کوچکش سنگینی می کرد. سرش را پایین انداخت. پدرش می گفت «۲ سال است که تمام زندگی ام را برای شوخان گذاشتم». ناراحت بود. از راه کشاورزی امرار معاش می کرد. شوخان دختر اولش بود آرزوهای زیادی برایش داشت. دختر باهوشی که می توانست تمام آرزوهای پدرش را برآورده کند. «۲ تا خواهر دیگرش خیلی دوستش دارند هر لحظه زنگ می زنند و حال خواهرشان را می پرسند. مادرش از زجری که شوخان می کشد اشک از چشمانش پاک نمی شود» از او

اینکه بدنش زخم شد و تاول هایش ترکید، دخترم را بردیم بیمارستان بعثت سنندج و ۱۲ روز در آئی. سی. یو بستری بود. دکتر چشم پزشک در مراقبت های ویژه مدام چشم های دخترم را معاینه می کرد. آن موقع چشم هایش کوچک شده بود و افتاده بود و روشنایی اذیتش می کرد. شوخان می گوید که دیگر بین دوستانش جایی ندارد. «با من بازی نمی کنند می گویند تو نمی توانی دیگر ببینی و بازی ما را خراب می کنی برو از اینجا» پدر «شوخان» ادامه ماجرا را اینگونه شرح می دهد: زمانی که نزد رییس شبکه بهداشت دیوان دره رفتم بار اول از من استقبال کردند اما بار دوم گفتند «چرا ناراحتی ما آنقدر در دنیا دانشمند کور داریم». رییس دانشگاه علوم پزشکی هم دست رد به سینم زد و مجبور شدم به تهران بیایم. شهری که نمی شناختم و تا آن موقع ندیده بودم. به تهران که رسیدیم با راهنمایی یکی که مرکز نمی شناختمش آدرس جایی که مرکز چشم پزشکی است را گرفت و او بیمارستان فارابی را معرفی کرد. دکتر بعد از معاینه و عفونت شدیدی که منجر به پاره شدن قرنیه چشم چپ دخترم شده بود تشخیص فوری برای پیوند قرنیه داد. چشم شوخان پیوند اول را پس زد و حتی پیوند دوم هم جوابگو نبود تا اینکه چشم راستش

هم بینایی اش را از دست داد و کاملا نابینا شد. پدر ۳۵ ساله شوخان تنها امیدش را پیوند چشم راست دخترش می داند که دکترها قول آن را داده بودند و تنها خواسته اش این است که روشنایی را به چشمان دخترش بازگردانند. «حسین احمدی نیاز»، وکیل شوخان که وکالت او را رایگان قبول کرده در اینباره می گوید: «استیون جانسون» همان بیماری ای است که ناشی از حساسیت به پنی سیلین است. متاسفانه در شوخان ظهور پیدا کرد و هنوز بعد از ۲ سال علاوه بر از دست دادن بینایی اش و رنج هایی که متحمل شد یکسری از غذاها را نمی تواند بخورد زیرا آثار این حساسیت در بدنش وجود دارد. بر اساس اصل ۱۳۷ قانون اساسی تصریح می کند که وزیر مسول تمام اتفاقاتی است که در حوزه زیرمجموعه خودش می افتد. وکیل شوخان همچنین تاکید می کند: خطاب من بیشتر به رییس جمهور محترم است که براساس قانون ۱۲۱ ایشان سوگند یاد کرده اند برای اجرای احسن مسولیت های خودشان و اجرای قانون اساسی و برابر اصل ۱۲۷ ایشان می توانند نمایندگی را تامین و پیگیری کنند. حال این اتفاق برای شوخان ۶ ساله که در روستایی دور افتاده به نام «دیوان دره» در کردستان زندگی می کند، افتاده. پدر کودک به دلیل آگاه نبودن از حقوق شهروندی خود و بی اطلاع بودنش از چنین حقوقی متاسفانه اقدام خاصی نکرده است و تنها بهار سال گذشته به نظام پزشکی سنندج شکواییه تنظیم کرده که رسیدگی نشده است. احمدی نیاز وکیل این

دختر تاکید می کند: این اتفاق ممکن است برای هرکسی بیفتد و این موضوع را نباید به یک امر عادی در پزشکی تبدیل کنیم در حالی که این بیشتر ناشی از بی تدبیری مراکز علوم پزشکی در نظارت بر وظایف افزادی است که در چنین مراکزی باید به مردم خدمت کنند. وی همچنین توضیح داد: در حله اول امیدواریم که مسولان به این قضیه ورود پیدا کنند. اگر نه مجبورم از دادسرای «دیوان دره»، محل وقوع جرم، اقامه دعوی کنم و همچنین علیه دانشگاه علوم پزشکی اقامه دعوی برای جبران خسارت کنم. آن منطقه به علت اینکه دادسرای ویژه برای رسیدگی به اینگونه جرایم ندارد معمولا ارجاع داده می شود به پزشکی قانونی و آنجا هم براساس میزان درصد صدمه وارده کمیسیون تشکیل می دهند و بر اساس آن احراز می کنند. وکیل این دختر می گوید: طبق قانون برای شوخان دیه یک انسان کامل در نظر گرفته می شود اما پدر او علاوه بر تماس هایی که بعد از رسانی شدن این اتفاق مبنی بر کمک های مالی گرفته شد، هیچ انتظاری ندارد و دیه را هم نمی خواهد قبول کند. زمان از دست رفته و زمان هایی که قرار است در راه به دست آوردن حقش از دست بدهد، همچنین ضرر و زیانها و هزینه هایی که ممکن است ۲ یا ۳ برابر دیه پی که شاید پرداخت شود، باشد از لحاظ مالی کمکی به آنها نمی کند و این در حالی است که تنها آرزوی عباسعلی، بینایی دخترش است.

زندگی شاد، ایمن و خلاق  
حق مسلم کودکان است!



شاهان پهلوی در يك پروسه تاریخی به این هدف نایل آمدند که آن رژیم هار و مستبد و انسان کش را از پا دریاورند. مردم با انقلاب ۵۷ سایه خدا را و قادر مطلق بر کشور را ریشه کن کردند.

اکنون بعد از شکست همان انقلاب بوسیله ضد انقلاب اسلامی و پیامدهای سیاهی و تباهی حاکمیت اسلام سیاسی بر مقدرات آن جامعه، بسیاری نه تنها از آن انقلاب پشیمان شده اند، بلکه مدافعات دیکتاتوری رژیم سلطنتی هم دم در آورده و روز پیروزی مردم و شکست سلطنت را روزی سیاه مینامند.

در این جدال آنچه قربانی میشود يك رژیم و یا يك ایدئولوژی و حزب و دسته و گروه نیست، بلکه يك حقیقت تاریخی به اسم حق مردم است که قربانی میشود. حقیقتی که بگوید مردم حق داشتند يك رژیم مستبد و دیکتاتور و ضد آزادی را نخواهند.

اما کارنامه جنبش اسلام سیاسی و در راس آن جمهوری اسلامی آن چنان سیاه و آنچنان فاسد است که در سایه آن نیروهای ضد انقلاب در اپوزیسیون میخواهند خود انقلاب را و حقانیت مردم انقلابی علیه رژیم شاه را بی اعتبار کنند. این کار را میکنند که مردم را بترسانند يك بار دیگر دست به انقلاب علیه جمهوری اسلامی نزنند.

سیاستی که حقانیت مردم ناراضی و انقلابشان را با جمهوری اسلامی یکی میدانند يك ترفند آگاهانه علیه همان مردم است. این ضدیت گستاخانه با انقلاب مردم در سال ۵۷ قرار است منافع امروز این اپوزیسیون بورژوازی را تأمین کند. معنی امروزی ضدیت آنها با انقلاب مردم در سال ۵۷ این است که همین

شدند. این نکته بسیار با اهمیتی است. زیرا نباید اجازه بدهیم کشتارهای بیرحمانه اوایل دهه ۶۰ که دهها برابر کشتار سال ۶۷ است به تاریخخانه ها فرستاده شود. زیرا جمهوری اسلامی نه از سال ۶۷ بلکه از همان روز اول قاتل، انسان کش و ضد آزادی و ضد زن بوده است. و با همین پتانسیل بیرحمانه خونریزی توانست انقلاب را در سال ۶۲ و نه ۶۷ شکست بدهد. کشتار اوایل دهه ۶۰ برای تثبیت رژیم و بسیار بیرحمانه تر از کشتار سال ۶۷ بود.

کشتار مخالفین بوسیله جمهوری اسلامی در سال ۶۷ از ترس شورش مردم بعد از جنگ هشت ساله اتفاق افتاد. اما کشتار اوایل دهه ۶۰ به این دلیل بود که میخواستند فاشیسم اسلامی با سرکوب انقلاب تثبیت کنند.

امروز صف نیروهای ضد انقلاب تنها به جریانات پروغری کمپ مدافعان سلطنت پهلوی محدود نیست. بلکه کل طیفهای از قدرت رانده شده در جمهوری اسلامی از نوع جمهوریخواه و اصلاح طلب و اعتدال چی و چپ و راستش همگی به این صف پیوسته اند. از نظر آنها اگر جمهوری اسلامی بد است به این خاطر است که انقلاب بد بوده است.

با این حال مردم تحت ستم و استبداد زده ایران نه تنها در سال ۵۷ علیه رژیم پهلوی بلکه امروز هم علیه جمهوری اسلامی بجز انقلاب کردن راه دیگری برای خلاصی از شر استبداد و فقر و بیحرمتی ندارند. کسانی که در انقلاب ۵۷ حضور داشتند و فعال بودند میدانند ابتدا و تا پاییز سال ۵۷ جریانات اسلامی و تمام گله آخوند نقش برجسته ای در انقلاب مردم نداشتند. اگر هم کسانی از آنها حضور داشتند جایی دیده نمیشدند. عروج جریانات اسلامی در پاییز سال ۵۷ به این دلیل بود که کشورهای غربی به این قناعت رسیدند که نمیتوانند شاه را نگهدارند و عملاً پروسه قدرتمند کردن خمینی و جریانات نهضت آزادی و جبهه ملی را آغاز نمودند.

در حقیقت آغاز عروج جریانات اسلامی نه در خیابانهای ایران بکه در شهرهای مدرن کشورهای "دمکرات" غرب کلید خورد. وقتی که بی بی سی عکس خمینی را به ماه فرستاد و هویزر مامور شد که

امرای ارتش را همراه خمینی بکنند، بلافاصله در خیابانهای ایران هم پرچم جریانات اسلامی هر روز پررنگ تر از روز قبل میشد. این پروسه تاجایی پیش رفت که در روزهای آخر رژیم پهلوی جریانات اسلامی چنان پرو رو شده بودند که بعضاً از شعارهای چپ و آزادیخواهانه در صف تظاهراتها جلوگیری میکردند. و میگفتند امام اینرا نگفته و اسلام آترا نگفته ....

با قدرتگیری تظاهراتها علاوه بر شعار مرگ بر شاه دو شعار اصلی و همه گیر در ایران وجود داشت. "زنده باد آزادی" و "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" اینها مهمترین و توده ای ترین شعارهای مردم در آن زمان بودند. اکنون هم نگاه کنید تنها معادله ای که تغییر کرده است جمهوری اسلامی به جای شاه نشسته است. امروز هم شعارها و مطالبات همان است که ۳۶ سال قبل بود. مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد آزادی و زندانی سیاسی آزاد باید گردد همچنان سر لوحه انقلاب آتی خواهند بود.

نیروهای انقلابی و نیروهای محرکه انقلاب سال ۵۷ از مردمان حاشیه نشین شهرها و بعداً دانشگاهیان شروع و با به میدان آمدن طبقه کارگر تیر خلاص به رژیم پهلوی شلیک شد. این بار اگرچه خواسته ها و مطالبات همان است که در صد سال گذشته هم آرزوی مردم ایران بوده است، اما نیروهای محرکه انقلاب و رهبران و جنبشهای تعیین کننده میتوانند و ممکن است متفاوت باشند. بویژه امروز جنبش کارگری میتواند نقش محوریت و تعیین کننده تری نه در روز تعیین تکلیف بلکه از همین حالا و برای به سرانجام رساندن انقلاب آتی داشته باشد.

آنچه در ایران آتی از همین امروز مسجل است این است که با شکست اسلام سیاسی در رسیدن به اهدافش هیچ جریان اسلامی و مذهبی دیگری در ایران شانس قدرتگیری و حکومت در آینده را ندارد. کشتار و خونریزی و اعدامهای بی حد و حصری که بوسیله جمهوری اسلام و حکام بیرحم این رژیم در حکومتشان نهادینه شده است اعتراض و مقاومتی را در مقابل

خود شکل داده است که هیچ حکومتی نمیتواند در آینده ایران مدافع ادامه مجازات اعدام باشد. زیرا کسی که اینرا بگوید شانس قدرتگیری را از خود سلب میکند.

قوانین مذهبی و ضد زن و فرهنگ مردسالار رژیم اسلامی آنچنان مورد نقد و نفرت عمیق مردم است که هیچ حکومتی در آینده ایران نمیتواند از برابری زن و مردم حرف نزند. حتی قانونا هم هیچ حکومتی نمیتواند مدافع شرع اسلام و قوانین اسلامی باشد و در عین حال شانس قدرتگیری هم داشته باشد.

بنابر این قبل از سرنگونی جمهوری اسلامی جنبشهای اجتماعی و مردم انقلابی و مدرن ایران توانسته اند که جمهوری اسلامی را در عرصه های زیادی با شکست مواجه کنند.

جنبش اسلام سیاسی نه تنها رو به افول بلکه در کانون قدرت خود یعنی در ایران و بسیاری از کشورهای اسلام زده منفورترین جنبش این قرن است. همچنانکه فاشیسم هیتلری در قرن ۲۰ منفور بود.

در عرصه اقتصاد هم جمهوری اسلامی و جنبش اسلام سیاسی مساوی است با فساد و دزدی و رانتخواری و دروغ و ریا و حاکمیت مافیای اقتصادی حاکمین و فقر و فلاکت برای مردم. در جمهوری اسلامی نه يك مکتب اقتصادی خاص بلکه يك مافیای اقتصادی اسلامی حکم میراند. این مافیا سر تا پای حکومت را شامل میشود و استثنایی در هیچ جناحی وجود ندارد. این مافیا در عرصه سیاست و اقتصاد حرف اول و آخر را میزند. همین امسال رقم دزدیهایی که خودشان علنی و رسمی اعلام کرده اند بیش از رقم بودجه سالانه کل کشور است.

در عرصه قانون و قانون گذاری اوضاع از این هم بدتر است. دستگاه قانونی و قضایی این رژیم نه تنها بی اعتبار بلکه مردم آنها را ارگانهای سرکوبگر و قاتل خود میدانند.

اما این سیاهی و تباهی حقانیتی به ضد انقلاب اپوزیسیون نمیدهد. مردم فقط با يك انقلاب آزادیخواهانه نمیتوانند خود را از چنگال دیکتاتورها رها کنند.



## شاه سرنگون شد، اما اهداف و آرمانهای آن انقلاب عظیم همچنان پا برجاست!!



بیدی محمودی

امروز ۳۵ سال از انقلاب ۵۷ که به سرنگونی یکی از مستبدترین حکومت‌های آن دوره انجامید می‌گذرد، در این ۳۵ سال و هر ساله به این مناسبت دوست و دشمن از زاویه نگرش امروزین خود به آن انقلاب پراخته‌اند. برای طرفداران سلطنت و کسانی که در رکاب شاه و ساواک و آن نظام منفور جیره و مواجیشان را می‌گرفتند، انقلاب ۵۷ یعنی، هرج و مرج، یعنی غارت، یعنی تباه شدن و ناز و نعمتشان که به قیمت فقر و



فلاکت برای اکثریت مردم ایران نصیبشان شده بود، اینها می‌خواهند انقلاب ۵۷ را به خمینی و گله‌آخوند کسک زده و از گور برخاسته و ۳۵ سال جنایت و کشتار این حکومت به غایت غیر انسانی

از طرف دیگر در این ۳۵ سال حکومت اسلامی این نامشروعترین وارث آن انقلاب عظیم بدانند، چرا که شاید این تنها راه سرکوب انقلاب و انقلابیونی بود که با شعار نان کار آزادی به خیابان آمده بودند، جمهوری اسلامی این حکومت دزدان و قاتلان می‌خواهند خود را وارث انقلابی بدانند که کارگزارانش شیرهای نفت را بر رژیم‌های آفریقای جنوبی و اسرائیل بستند، اینها می‌خواهند خود را وارث انقلابی بدانند که کارگزارانش وسیع‌ترین شوراها را کارگری را تشکیل دادند، اینها می‌خواهند خود را وارث انقلابی بدانند که زنانش جز آزادی و برابری به کمتر راضی نمی‌شدند، اینها می‌خواهند خود را وارث انقلابی بدانند که اکثریت مردمش به خیابان آمده بودند، چرا که از فقر و فلاکت،

گرانی، بیکاری و استبداد به تنگ آمده بودند. اما اینها هر دو کور خوانده‌اند، چرا که انقلاب ۵۷ تلاش میلیونی مردم کارکن جامعه بود که ظلم و ستم را نمی‌خواستند، زندان و شکنجه، شاه، ساواک و استبداد را نمی‌خواستند و خواهان رفاه، سعادت و برابری همگانی بودند. انقلاب ۵۷ با تمام شکوهش، با تمام قدرتش، متأسفانه به دلیل نبود حزب طبقه کارگر و حزب اکثریت مردم و قیام‌کنندگان توسط رژیم اسلامی از گور برخاسته و با وحشیانه‌ترین شیوه یعنی کشتار دهها هزار نفری از قیام‌کنندگان به شکست انجامید، اما آرمانها، خواستها و اهداف آن انقلاب همچنان پا برجاست، پس زنده باد انقلاب ۵۷، زنده باد انقلاب علیه حکومت دزدان و قاتلان اسلامی!!

**کمپین نگذارید قلبشان از طپش باز ایستد یکی از کمپین‌های کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی می‌باشد و هدف از این کمپین آگاه‌سازی مردم و مجامع جهانی از وضعیت زندانیان سیاسی محروم از دارو درمان می‌باشد، زندانیانی که با وجود بیماری‌های متعدد ماه‌ها و سالها است که بدون یک روز مرخصی در زندان به سر می‌برند و جمهوری اسلامی قصد دارد از طریق محروم ساختن این زندانیان از درمان جان آنها را به خطر بیندازد روز ۱۴ فوریه همزمان با روز ولنتاین در هر جا که هستیم و به هر شکل ممکن صدای این زندانیان در بند را به گوش جهانیان برسانیم.**



# نگذارید

## قلبشان از تپش باز ایستد

[www.iranpoliticalprisoners.com](http://www.iranpoliticalprisoners.com)

کمپین حمایت از  
زندانیان سیاسی محروم از دارو و درمان

### فیس بوک ده ساله شد. درود به جوانان فیس بوکی آبکنار!

فیس بوک در ۴ فوریه سال ۲۰۰۴ میلادی توسط مارك زاكربرگ و دوستانش ادواردو سوری، اندرو مك كالم، داستین مسكوتیز و کریس هیوز در دانشگاه هاروارد به وجود آمد. بر اساس آمار منتشر شده در ماه می ۲۰۱۱ تعداد کاربران فیس بوک به بیش از ۷۰۰ میلیون کاربر رسیده است. ۴ اکتبر ۲۰۱۲ تعداد کاربران فعال به ۱۰۰۰ میلیون رسید و مارس ۲۰۱۳ تعداد کاربران فعال به بیش از یک میلیارد و صد و ده میلیون نفر رسید. و در دهمین سال تولد (۴ فوریه ۲۰۱۴) بیش از ۲ میلیارد نفر کاربر فعال فیس بوک هستند. جوانان آبکناری با فیس بوک در برف ماندگان را نجات دادند.

در روزی که فیس بوک ده سالگی اش را جشن گرفت، جوانان آبکناری، سه نفر از اهالی روستای «ماهروزه» را از محاصره برف نجات دادند. بیست جوان آبکناری وقتی دیدند که از تیمهای امداد و نجات خبری نیست، طی یک قرار فیس بوک تصمیم گرفتند به کمک کسانی بروند که در برف و بحران مانده اند. تیم نجات پس از ساعتها تلاش توانستند سه نفر را که در یک گاوداری در برف محاصره شده بودند نجات دهند. و اگر این قرار فیس بوک نبود فاجعه ای انسانی با مرگ سه جوان اتفاق می افتاد. خانواده سه نفر نجات یافته داغ دیده می شدند. و البته عریده کشی ملا و آخوند در مورد مقدرات الهی هم گوش مردم آبکنار را کر کرده بود! درود به جوانان فیس بوکی آبکنار.

### اقدام انسانی

محمدعلی محمدیان، معلم فداکار میروانی انجمن دانش آموزان مبتلا به بیماری های صعب العلاج را جهت کمک به ماهان و سایر دانش آموزان تشکیل داد. محمدعلی محمدیان هدف از راه اندازی این انجمن را کمک به دانش آموزان مبتلا به بیماری های صعب العلاجی همچون ماهان اعلام کرده و به گفته وی تاکنون بیش از ۱۲۰ دانش صعب العلاج در استان

کردستان شناسایی شده اند که با توجه به هزینه های بالای درمان، همگی آنها نیازمند کمک های مردمی و نهادها و ادارات دولتی هستند. به گفته محمدعلی محمدیان: پس از رسانه ای شدن مشکلات درمانی ماهان تاکنون بیش از ۳۰ نفر از والدین دانش آموزان سراسر کشور که کودکانشان بیماری ماهان را دارند با بنده تماس گرفته و خواهان حل مشکلات درمانی فرزندانشان هستند که تشکیل انجمن دانش آموزان بیمار صعب العلاج با هدف کمک به تمامی دانش آموزان بیمار از جمله ماهان رحیمی راه اندازی شده است.

این معلم فداکار میروانی از مردم خیر و نیکوکار کشور خواست کمک های نقدی خود را با هدف درمان ماهان رحیمی، دانش آموز بیمار میروانی و سایر دانش آموزانی که چنین مشکلاتی دارند به شماره حساب ۰۳۴۵۱۱۷۲۳۰۰۳ و شماره کارت ۶۰۳۷۹۹۱۸۴۷۳۸۴۸۷۶ بانک ملی به نام انجمن دانش آموزان بیمار صعب العلاج واریز کنند.

### نامه ۱۰ زندانی سیاسی در سالروز انقلاب ۵۷

با درود به پیشگاه ملت بزرگ ایران! انقلاب ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ با اهداف چون آزادی، استقلال، عدالت و ترقی خواهی شکل گرفت و قرار بود از طریق جمهوری اسلامی به اهداف فوق برسد. اما از بلو پیروزی توسط همان کسانی که مدعی اولیبه جمهوری اسلامی بودند به انحراف کشانده شد، انتظار می رفت با احترام به آزادی های فردی و اجتماعی و پذیرش اصل مترقی تفکیک قوا به ویژه با پایه گذاری قوه قضائیه مستقل از قدرت حاکم و با انحلال مراجع انتصابی و اعاده صلاحیت عام دادگستری نه تنها به خواست های اصلی در انقلاب مشروطیت که عبارت است از تاسیس عدالت خانه با حاکمیت قانون به جای اعمال فردی سلطان بود، عینیت داده شود. بلکه از طریق حاکمیت ملی بر خواسته از اراده ملی دست آوردهای انقلاب جدید تضمین شوند. اما روحانیون حاکم به نام دین و با طرح ولایت فقیه

عملاً دیکتاتوری مذهبی که یکی از بدترین و خشن ترین دیکتاتوری هاست را بنا نهادند، طی ۳۵ سال گذشته جزء ویرانی، فقر، فساد، دزدی، اختلاس های میلیاردری، فحشا، اعتیاد، طلاق، جرایم خشونت زا را که به مرز بحران های اجتماعی رسیده به بار نیاورد و بخشی از نتایج وجودی جمهوری اسلامی عقب گرد، قهقرا و تباهی و سرکوب و اعدام و شکنجه برای مردم و کشور است. تا آنجائیکه هم اکنون شاهد هستیم علاوه بر فقر و بیکاری و گرانی خانمان سوز، سانسور، تفتیش عقاید، سلب همه آزادی ها و نقض سیستماتیک حقوق بشر و تمامی زیر بناهای اجتماعی تعلیم و تربیت و ارزش های اخلاقی و معنوی صدمات جدی دیده و از دیگر سو ارزش کار و تولید از بین رفته و تمامی تولیدگران اقتصادی، فرهنگی، آموزشی و فنی پاشانده شده و با زندگی فلاکت بار دست و پنجه نرم می کنند، در حوزه سیاست خارجی شوربخانه حکومت بدون مراجعه به آرای عمومی و بدون داشتن مجوز بین المللی و قانونی در دیگر کشورهای منطقی به ویژه در صدمات جبران ناپذیری بر حقوق انسانها و منافع ملی وارد می سازد. اگر ملت سوریه به خوبی حساب حکومت مداخله گر را از ملت ایران جدا می سازد، اما این امر چیزی از مسئولیت های ملی ما نخواهد کاست. از دیگر سو برای ایجاد وحشت در میان مردم سیاست سرکوب به ویژه از طریق اعدام و بازداشت دیگر اندیشان و دیگر باشان مذهبی، دموکراسی خواهان و حتی وکلای دادگستری ادامه دارد. و انواع تبعیض های جنسی، مذهبی، قومی و طبقاتی، سیاسی اعمال می گردد. این درحالی است که حکومت با تعقیب سیاست های بلند پروازانه هسته ای عملاً زمینه تحریم های بین المللی بر علیه کشور را فراهم ساخته و ملت را در فقر و تنگ دستی فرو برده است. با وجود اینکه ایران سرشار از منابع انرژی است و نیازی به چنین اقداماتی ماجراجویانه و هزینه ساز ندارد، در چنین شرایطی راهی جز اتحاد همه ای دموکراسی خواهان که خواستار ساختار دموکراتیک، عزمی

بر مبنای جدایی دین از حکومت و سایر اصول مترقی گرفته شده از اعلامیه جهانی حقوق بشر و کنوانسیون ها و اطلاعیه های تشویقی هستند باقی نهاده است. این اتحاد بر پایه طرح مطالبات مشخص ملی که به مواردی از ان اشاره شد، قابل تعقیب است. نظر به اینکه زندانیان سیاسی - عقیدتی در مراجع غیرقانونی، توسط قضات غیر قانونی و طی دادرسی غیر منصفانه و غیر عادلانه و بدون داشتن حق دفاع مشرع محکوم گردیدند، آزادی بی قید و شرط کلیه آنها و آزادی حبس شدگان در خانه یک خواست انسانی و ملی است. نه به اعدام و نقد مجازات اعدام خواست عمومی است که می تواند محور هماهنگی و اتحاد همه نیروهای دموکراسی خواه قرار بگیرد. استقلال قوه قضائیه، انحلال مراجع غیرقانونی مانند دادگاه های انقلاب، دادسرا و دادگاه های ویژه روحانیت و استقلال کانون وکلای دادگستری که میراث دکتر مصدق به حساب می آیند از دیگر خواسته های کنسوسی هستند. مطالبات اساسی کارگران، زنان، اقوام، دانشجویان و احزاب، مطبوعات، هنرمندان و دگر باشان مذهبی و فرهنگیان در زمره همین مطالبات ملی قابل تعریف است، در چنین روزی از بهمن ماه فرصت مناسب است، تا همه گروه ها، سازمان ها، و افراد و نهادهای حقوق بشری و شخصیت ها که خواهان پیش رفت و نجات مردم ایرانند با هویت های گوناگون مذهبی، زبانی، سیاسی، صنفی، طبقاتی، اجتماعی هستند. حول مطالبات مشترک گرد آیند، به وجود آمدن جنبش اجتماعی قدرمند معطوف به تحقق مطالبات دموکراتیک پشتیبانی واقعی برای نیل به اهداف والا و نهایی خواهد بود. بهمن ماه ۱۳۹۲ — زندان رجائتی شهر

۱. محمد امیرخیزی ۲. رسول بدایق
۳. حمیدرضا برهانی ۴. خالد حمدانی
۵. شاهرخ زمانی ۶. محمد سیف زاده
۷. حشمت الله طبرزدی ۸. صالح کهنل ۹. فیروز منصور ۱۰. ناصح یوسفی

### کارگری:

اورامان: کارگران شرکت "سانا"

که در حال احداث سد "داریان" می باشند در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مزایای ۸ ماه گذشته دست به اعتصاب زدند. کارگران این شرکت ضمن ابراز نارضایتی به شرایط بوجود آمده، در مقابل دفتر شرکت تجمع کرده و خواهان رسیدگی به وضعیت مالی خود شدند. به گفته یکی از کارگران، کارگران شرکت "سانا" از خرداد ماه امسال تاکنون هیچ حقوقی دریافت نکرده اند. مسئولین شرکت "سانا" علاوه بر "بی احترامی" به کارگران، آنان را نیز تهدید کرده اند که اگر از اعتراض و اعتصاب منصرف نشوند، نیروهای سپاه پاره را به موضوع وارد خواهند کرد. چند ماه قبل نیز تمامی کارگران این شرکت "سانا" در قسمت برق سد به علت تعویق ۵ ماهه حوقشان دست به اعتصاب زده بودند. ساخت سد داریان از سوی فعالان محیط زیست نیز مورد انتقاد شدید قرار گرفته و نسبت به عواقب آبیگری سد هشدار می دهند. در صورت آبیگری سد داریان ۴۴٪ از مراتع طبیعی پشت سد و چندین روستای گردشگری نظیر "هیج" نابود خواهد شد. شرکت "حرا" که پروژه سد انحرافی "هیروی" را در اختیار دارد بیش از ۶ ماه است که از دادن حقوق ۱۳۵ کارگر این سد خودداری می کند. سد انحرافی "هیروی" روی رودخانه سیروان و در ۱۰ کیلومتری شهر نوسود قرار دارد.

«گیرم سید شما برای این ماه به ۱۰ الی ۱۵ میلیون ایرانی تعلق گرفت. برای روزها، ماهها و سال آینده چکار می کنید؟ می خواهید در سال آتی چند درصد دستمزد ها را افزایش دهید که تورم را هم نپاشد؟» انجمن صنفی کارگران خباز (نانوا) میروان و سروآباد با انتشار بیانیه ای از طرح توزیع سبد کالا توسط دولت «حسن روحانی»، رئیس جمهور انتقاد کرد و نوشت «گیرم سید شما برای این ماه به ۱۰ الی ۱۵ میلیون ایرانی تعلق گرفت. برای روزها، ماهها و سال آینده چکار می کنید؟ می خواهید در سال آتی چند درصد دستمزد ها را افزایش دهید که تورم را هم نپاشد؟ به گزارش ایلنا، این نهاد کارگری در بیانیه اعتراضی اش پیرامون توزیع

## نگاه هفته ...

سید کالا گفته است «مدتی است دولت تدبیر و امید با هیاهوی زیاد و با شعار حمایت از طبقه ضعیف با طرحی به نام سبد حمایتی سر خود و ملت را شلوغ کرده است و به حساب می خواهد از طبقه کم درآمد جامعه حمایت کند. در ادامه این نامه آمده است «قبل از هر چیز باید بدانیم با اجرای سیاست‌های اقتصادی دولت های گذشته، جامعه ایران به دو دسته تقسیم شده است: اقلیتی مرفه و از تمامی مشکلات به دور و وابسته به باندهای مافیایی که هر روز افشا و رسواتر می شوند و اکثریتی قابل توجه پر از درد و رنج که حتی محتاج نان شب هم هستند؛ از جمله طبقه کارگر، کشاورزان و کارمندان دولت البته به استثنای مدیران رده بالا و چند شغله. انجمن صنفی کارگران خباز مریوان و سروآباد با طرح این پرسش که «دولتمردان ایران طی ۳۵ سال اخیر از وضع معیشتی کارگران بی خبرند یا خود را به کوچه علی چپ می زنند؟»، نوشته است: اجرای قانون هدفمند کردن یارانهها که «آقا محمود» می گفتند برکت دارد،

## دو کولبر در مرز کردستان گشته و زخمی شدند

۱۷ بهمن: دو کولبر در مناطق

مرزی سردشت و بانه از سوی نظامیان حکومت ایران مورد تیراندازی قرار گرفته که جوانی ۲۳ ساله به نام «سوران» جان خود را از دست داد. این کولبر از اهالی روستای «اوان» می باشد و در نزدیکی روستای «تلاس» توسط نظامیان حکومتی کشته شد. همچنین یک کولبر به نام «احمد» فرزند جلال در نزدیکی روستای مرزی «چومان» هدف شلیک مأموران نظامی قرار گرفت. در نتیجه تیراندازی نظامیان مستقر در مرز چومان، این کولبر به شدت زخمی و راهی مراکز درمانی شهر بانه شده است.

## دستگاه ماسه شویی، مرگ کارگری را در کردستان عراق رقم زد

۱۷ بهمن: دستگاه ماسه شویی، مرگ کارگری را در شهرستان رانیه واقع در اقلیم کردستان عراق رقم زد. جسد کارگر ۵۶ ساله‌ای در شهرک «حاجی آباد» و در یک کارگاه شستشوی شن و ماسه توسط پلیس اقلیم کردستان کشف شد. این کارگر «ابراهیم خضر نیکبخت» می باشد که از اهالی شهرستان پیرانشهر است. یک منبع مطلع با تأیید این خبر اعلام کرد: «علت اصلی مرگ این کارگر اهل کردستان ایران، سقوط وی به داخل دستگاه ماسه شوی و فوت بر اثر خفگی آب سرد می باشد. «ابراهیم نیکبخت چند ماه قبل به منظور امرار معاش همراه با دیگر اعضای خانواده به اقلیم کردستان عراق سفر کرده و در منطقه «بیتون» ساکن شده بود. طی چند ساله اخیر به دلیل رونق اقتصادی و تجاری در اقلیم کردستان عراق، هزاران نفر از استان‌های مرزی آذربایجان غربی، ایلام، کردستان و کرمانشاه جهت امرار معاش به شهرهای سلیمانیه، اربیل، دهوک، رانیه، حلبچه، دینا و کرکوک وارد شده و مشغول به کار هستند که روزانه شاهد وقوع حوادث کاری برای

شهروندان ایرانی در اقلیم کردستان هستیم. هم‌اکنون بیش از ۲ هزار و ۱۱۸ شرکت خارجی در اقلیم کردستان عراق مشغول به فعالیت هستند. پیشتر مدیرکل کار و رفاه اجتماعی استان کردستان در یک نشست اعلام کرد: حدود بیست هزار کارگر ایرانی در کردستان عراق مشغول به کار هستند که بسیاری از آنان با مشکلات بیمه، امنیتی و دستمزد پایین مواجه اند. (منبع سایت کردپا)

## من نیما ابراهیم زاده فرزند بهنام ابراهیم زاده‌ام و از شما سؤالی دارم؟

از شما سؤالی دارم؟ من بکجا باید پناه ببرم، کجا باید فریاد بزنم و بگم به چه جرمی باید اینقدر درد و رنج بکشم؟ شما بگوئید جرم من چیست؟ آهای!! شما انسانها، شما وجدانهای بیدار، شما که سازمان درست کرده‌اید می گوئید مدافع حقوق کودکان هستید، شما که می گوئید نهادهایی هستیم که کودکان سرطانی را مورد حمایت قرار می دهیم شما که مدافع حقوق انسان وانسان دوست هستید، شماهایی که مثل پدر من کارگر هستید: من امروز به شما نیاز دارم فردا شاید خیلی دیر باشد. من در این روزهای سخت به شما روی آورده ام، از شما چیزی نمی خواهم جز اینکه خواهان آزادی پدرم باشید. من در این روزهای سخت شیمی درمانی می خواهم پدرم را در کنارم داشته باشم، من درمقابل با سرطان می خواهم پدرم را نیز در کنارم داشته باشم. آیا این خواست زیادی است؟ شما بگوئید؟

## انتقال افشین ندیمی و مهرداد صبوری به دادگاه کامیاران

بنابر خبر رسیده، افشین ندیمی و مهرداد صبوری از فعالین کارگری و از اعضا کمیته هماهنگی، به دادگاه انقلاب شهرستان کامیاران منتقل شدند، نامبردگان به دلیل خروج از مرز هر کدام موظف به پرداخت جریمه نقدی به مبلغ پنجاه هزار تومان گردیدند. این در حالی است که پرونده اول آنها به جرم فعالیت‌های کارگری، همچنان در مرحله تجدید نظر است. بنابر این گزارش در چند روز گذشته با وجود دمای پایین هوا و سرمای شدید در شهر سنندج، مسئولین زندان

سیستم گرمایی را خاموش نموده و اغلب زندانیان مریض شده‌اند. لازم به ذکر است که مسئولین زندان از دادن دارو به زندانیان ممانعت می کنند. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری - ۱۷ بهمن ۱۳۹۲

## اعضای کمیته هماهنگی شهرستان مهاباد دستگیر و روانه زندان شدند

۱۶ بهمن: کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری: بنابر گزارش رسیده سه عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری پیوسف ابخرابات واحد سیده و محمد مولانایی پس از مراجعه به اجرای احکام دادگاه شهرستان مهاباد بازداشت و روانه زندان مرکزی این شهرستان شدند. نامبردگان که در دی ماه ۱۳۹۱ در شهرستان مهاباد دستگیر شده بودند در تاریخ ۱۸/۱۳۹۲ از طرف شعبه یک دادگاه انقلاب برایشان حکم صادر شد که بدین شرح می باشد: محمد مولانایی، یک سال زندان تعزیری. واحد سیده و پیوسف ابخرابات ۲ سال زندان تعزیری.

## «سرمایه از دستگیری کارگران و فعالان کارگری طرفی نخواهد بست»

( در ارتباط با دستگیری و زندانی کردن سه تن از فعالان و اعضای کمیته هماهنگی ) بار دیگر سه تن از فعالین کارگری و از اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، به نام های پیوسف ابخرابات، واحد سیده و محمد مولانایی پس از مراجعه به اجرای احکام شهرستان مهاباد دستگیر و روانه زندان شدند. این اولین بار نیست که فعالین کارگری و اعضای این تشکل را به جرم فعالیت در جنبش کارگری و دفاع از منافع طبقاتی کارگران به زندان می افکنند و قطعاً آخرین بار آن نیز نخواهد بود. این اولین بار نیست که فعالان کارگری این جنبش را به بهانه هایی همچون «اخلال در نظم عمومی»، «اقدام علیه امنیت ملی»، «اجتماع به قصد تباہی» و ترندهایی از این دست بازداشت کرده و روانه زندان می کنند. تا قبل از این نیز فعالانی از جنبش کارگری

و دیگر جنبش های اجتماعی همچون رضا شهابی، وفا قادری، شاهرخ زمانی، محمدجراحی، پدram نصرالهی، رسول بداعی، غالب و خالد حسینی، افشین ندیمی، مهرداد صبوری و بسیاری دیگر را، هر یک به بهانه ای به دادگاه ها و محاکم قضایی کشانده، بعضاً محکوم و روانه زندان ها کرده اند. عوامل سرمایه دزدند تا از این طریق و با اعمال این گونه فشارها و تضيیقات، جنبش کارگری و فعالان این جنبش را مرعوب نموده از ادامه ی کار که چیزی جز دفاع از منافع طبقه کارگر در عرصه های مختلف نیست بازدارند. اما باید تا به امروز و لاقبل با مشاهده روند حرکت جنبش کارگری و فعالان آن متوجه شده باشند که با این قبیل اعمال و اقدامات نمی توان جنبش عظیم و گسترده ای را که به حکم جایگاه و موقعیت طبقاتی خویش در نظام نابرابر و ضدکارگری سرمایه داری، برای بهبود شرایط کار و زندگی و رهایی از ستم و استثمار طبقاتی تلاش و مبارزه می کند متوقف کرد و همراه با فعالین آن از میان برداشت. اگر این چنین بود عوامل سرمایه تا به امروز و لاقبل پس از سال ها آزمون و تجربه و دستگیری و شلاق و تبعید و زندان و ... بیش از صدها تن از این فعالین در این کار موفق شده بودند و دیگر نیازی به دستگیری مجدد و زندانی کردن امثال ابخرابات ها، مولانایی ها و واحد سیده ها نبود! سرمایه داران و عوامل آنان باید بدانند که جنبش کارگری و فعالان پیگیر و مخلص آن تمام شدنی نیستند و تا زمانی که سلطه ی سرمایه و بهره کشی هر چه وحشیانه تر طبقه کارگر به دست زالو صفتان سرمایه دار، ادامه داشته و زندگی را بر این طبقه تیره و تار کرده است، تا زمانی که سرمایه داران به ضرب زور و سرکوب و اخراج و بیکارسازی کارگران و ارباب و تهدید و بازداشت و زندان آنان، درصدد تحمیل انواع بی حقوقی ها و بی حرمتی ها به این طبقه برآمده و آن ها را یکی بعد از دیگری به طبقه کارگر و اکثریت قریب به اتفاق مردم تحت ستم و استثمار جامعه تحمیل می نمایند؛ تا زمانی که نتیجه و ماحصل کار و تلاش کارگران از تولید ثروت و رفاه



از صفحه ۶

## نگاه هفته ...

برای جامعه، چیزی جز خانه خرابی و فقر مطلق نیست، جنبش کارگری به راه خود - که هیچ چیز جز بهبود مداوم و پیوسته شرایط کار و زندگی و رهایی از منجلا ب عفن سرمایه نیست - ادامه خواهد داد و باز نخواهد ایستاد. سرمایه داران و عوامل آنان چاره ای جز پذیرش این امر ندارند که با تهدید و ارعاب و بگیر و ببند و دستگیری و زندان قادر نخواهند بود جنبش کارگری و در این رابطه فعالان آن را که خصم جان سرمایه اند و برای دنیایی عاری از ستم و استثمار می جنگند به خاموشی و سکوت بکشانند. این جنبش و این فعالین به دستور این یا آن شخص و جریان و یا برای خوش آمد سرمایه و عوامل آن به میدان نیامده، فعالیت و مبارزه نمی کنند که به فرمان این شخص یا آن ارگان سرکوب و تهدید و ارعاب و زندان از

کارگران و تمامی فعالان کارگری و اجتماعی، از جمله سه فعال کارگری یاد شده یوسف آخربات، واحد سیده و محمد مولانایی و محکوم نمودن این قبیل اعمال و اقدامات ضدکارگری، بار دیگر حمایت خود را از اهداف برحق و رادیکال جنبش کارگری و فعالان پیشرو و آگاه آن برای بهبود وضعیت فلاکت بار موجود و خلاصی از منجلا ب سرمایه اعلام نموده و خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط این فعالین می باشیم. ما همچنین اعلام می کنیم که در کنار این عزیزان و خانواده های محترم آنان باقی خواهیم ماند. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری -

## زندان و دستگیری

پیرانشهر: عبدالله خضری فرزند حسن به مدت یازده روز است به اتهام "عضویت در یکی از احزاب کرد اپوزسیون" حکومت اسلامی

ایران بازداشت است. عبدالله خضری ۲۵ ساله، متأهل و ساکن روستای "ترکش" از توابع شهرستان پیرانشهر دهم بهمن ماه از سوی نیروهای اطلاعاتی بازداشت گردیده است. عبدالله خضری سال ۸۷ از سوی نیروهای اطلاعاتی بازداشت و به مدت سه ماه تحت شکنجه و بازجویی قرار گرفته بود.

مستولان زندان مرکزی شهر اشنویه به شرط شرکت زندانیان در راهپیمایی بیست و دوم بهمن ماه به زندانیان مرخصی می دهند. سئولان زندان شهر اشنویه به زندانیان اعلام کردند، هر زندانی که تا بیست و دوم بهمن ماه به مرخصی می رود، باید در راهپیمایی بیست و دوم بهمن ماه شرکت کند. طی سال های گذشته، فقط مستولان حکومتی در شهر اشنویه در راهپیمایی ها شرکت نمودند، به همین دلیل مستولان حکومتی در شهر اشنویه

می خواهند از این راه پا فشار بر اقتدار مختلف جامعه کردستان این مراسم را "با شکوه" جلوه دهند.

**پاوه:** یاسر نادریان فرزند ملا طاهر اهل روستای "نروی"، فرزند بزمونه فرزند محمود اهل بخش "نوسود"، کیهان احمدی اهل روستای "تشار"، آراس بهرامی فرزند جمال اهل "نوسود" و ناصر باباجانی ساکن پاوه توسط اطلاعات سپاه پاسداران بازداشت شدند.

خودکشی دختر ۱۹ ساله در سردشت: روز یکشنبه ۲۰ بهمن ماه، دختری ۱۹ ساله اهل سردشت به نام "مستانه رشیدی طلب با حلق آویز کردن خودش، جانش را از دست داد. مستانه سال دوم دبیرستان بود.

از صفحه ۱

## کشتار مردم سوریه ...

رژیم اسد. مردم سوریه هر روز دارند بهای تداوم وضعیت سیاسی حاضر در سوریه را با جان و هستیششان میپردازند. رژیم بشار اسد از همان آغاز خیزش مردم سوریه از هوا و زمین مردم را در هم کوبیده است و در این جنایت از حمایت های بیدریغ جمهوری اسلامی و دولت روسیه برخوردار بوده است.

بر زمینه بخون کشیده شدن انقلاب بوسیله رژیم اسد و حامیانش، نیروها و دولتهای ارتجاعی دیگر منطقه، ترکیه و عربستان سعودی و نیروهای فوق ارتجاعی اسلامی (جبهه النصره و القاعده و نیروهای سلفی و داعش و ارتش آزاد و غیره) که مستقیم یا غیر مستقیم از جانب دولتهای مخالف اسد حمایت

انداختن بخشهای مختلف جامعه با اتکا به این تعصبات ارتجاعی نیست، بلکه نتیجه مستقیم سرکوب و وحشیانه مردم سوریه بوسیله رژیم اسد با برخورداری از حمایت بیدریغ جمهوری اسلامی و دولت روسیه است. بر چنین زمینه ای و در این فضا و شرایط است که نیروهای اسلامی صادراتی امکان یافته اند له و یا علیه رژیم اسد وارد میدان شده و تراژدی امروز سوریه را بیافرینند. حل بحران سوریه و خاتمه بخشیدن به کشتار وحشیانه مردم، بدون برکناری فوری اسد و کل حکومت بعث سوریه ممکن نیست.

نشست ژنو- ۲ ادعا میکرد خواهان حل دیپلماتیک بحران سوریه و پایان بخشیدن به کشتار و خانه خرابی مردم است، اما در پس این ظاهر انساندوستانه هر یک از طرفین بدنبال تحقق اهداف و سیاستهای

ارتجاعی و ضد مردمی خود بود: دولت آمریکا و متحدین غربی اش با هدف حفظ رژیم فعلی منهای اسد، روسیه با سیاست به سازش کشاندن نیروهای مخالف با رژیم اسد، نیروهای مخالف با خواست برکناری اسد و تلاش برای دست بالا پیدا کردن در دولت انتقالی جانشین اسد، و نمایندگان رژیم سوریه با هدف ابقای اسد در حکومت، بر سر میز مذاکره نشستند و در نهایت به هیچ نتیجه ای نرسیدند. رژیم اسد همچنان بر سر کار است و آنچه همچنان ادامه دارد کشتار وحشیانه مردم سوریه بوسیله رژیم اسد و نیروهای اسلامی مخالف و موافق اوست.

باید به این کشتار فورا و بی قید و شرط خاتمه داده شود اما دولتها و نیروهای حاضر در اجلاس ژنو حل کننده مساله سوریه نیستند بلکه خود بخشی از صورت مساله اند. برای برون رفت از این وضعیت باید مردم آزادیخواه دنیا به حمایت از مردم سوریه برخیزند. پایان بخشیدن به فاجعه انسانی ای که در سوریه در جریان است تنها با تحقق خواسته های زیر امکان پذیر است:

۱- برکناری فوری اسد و حکومت بعث سوریه. این کلید حل فاجعه سوریه است. تا زمانی که اسد بر سر

کار است حل بحران سوریه ممکن نیست.

۲- خلع سلاح فوری همه دارو دسته های تروریستی و اسلامی که با لوی مخالفت با اسد به جنگ با یکدیگر، کشتار مردم و اجرای قوانین فوق ارتجاعی اسلامی در مناطق تحت نفوذ خود مشغولند.

۳- ایجاد شرایط و فضای سیاسی مناسب برای فعالیت نیروها و احزاب مختلف سیاسی طی يك دوره معین و برگزاری انتخابات. مردم سوریه باید بتوانند بدون از جنگ و کشتار و آوارگی در يك انتخابات آزاد دولت جانشین رژیم اسد را تعیین کنند.

حزب کمونیست کارگری از مردم شریف جهان و از همه نیروها و احزاب آزادیخواه و انساندوست می خواهد که دولتها، سازمان ملل و دیگر نهادهای بین المللی ذریبط را برای تحقق فوری خواسته های فوق تحت فشار قرار دهند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۷ بهمن ۱۹۹۲،  
۵ ژانویه ۲۰۱۴

اساس سوسیالیسم انسان است.  
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.

## شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

سوئد:  
Sweden  
Post Giro: 6396060-3  
account holder: IKK

آلمان:  
Germany  
Rosa Mai  
Konto. Nr.: 583657502  
Bankleitzahl: 37010050  
Post Bank

کانادا:  
Canada  
ICRC  
Scotiabank  
4900  
Dixie Rd, Mississauga  
L4W2R1  
Account #: 843920026913

هلند:  
Bank: RABOBANK  
Darande hesab: FVIVN  
Shomare hesab: 151350248  
Adres: EINDHOVEN  
IBAN No: NL774 RABO 0151350248

آمریکا:  
Bank of America  
G Street, Blaine, Wa 98230277  
phone # 1-360-332-5711  
Masoud Azarnoush  
Account number : 99-41581083  
wire: ABA routing # 026009593  
Nrswwift code : BOFAUS

شماره حساب انگلیسی  
ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:  
England  
Account nr. 45477981  
sort code: 60-24-23  
Account hold: wpi  
branch: Wood Green  
Bank: NatWest  
NWBK IBAN: GB 77 NWBK6024235477981  
BIC: NWBK GB 2L

در زمینه کمک مالی چنانچه سوالی داشته باشید  
می توانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

## از اروپا:

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

## از ایران:

شهلا دانشفر: ۰۰۴۶۷۷۹۸۹۸۹۶۸

عبدل گلپریان: ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

## صفحه بندی: فرزام کرباسی

## تلفن و ای مایل آدرس تماس با سردبیر

Tel: 00358 405758250

E- mail: abdolgolparian1@gmail.com

همکار نشریه ایسکرا: فرزام کرباسی

E- mail: farzam.karbasi@gmail.com

زبان تهدید و تشدید سرکوب و ستم  
بر کارگران ایران راه به جایی نخواهد برد

آن شاهد تورمی به مراتب بیشتر در کل هزینه های زندگی خواهند بود. اگر وجود چنین تورمی را بر اساس بودجه سال آینده در کنار عزم دولت برای افزایش ناچیز حداقل مزد کارگران، آنهم بر اساس تورم رسمی اعلامی در واپسین ماههای پایان سال قرار دهیم آنوقت دلایل واقعی اعمال سیاست سرکوب اعتراضات کارگری و اظهارات سخنگوی قوه قضائیه در این زمینه و ابعاد دهشتناک فاجعه ای که قرار است بر میلیونها خانواده کارگری روا شود بیش از پیش روشن میشود.

اما چیزی که در این میان مسلم است، این است که چنین رویکردی از سوی دولت یازدهم در تلاش برای تحمیل فقر و فلاکت بیشتر بر کارگران و سرکوب اعتراضات صنفی آنها بر خلاف خواب خوشی که اتخاذ کنندگان چنین سیاستهایی دیده اند تلاطمات اجتماعی شدیدی را در گستره ای بزرگ پیش خواهد آورد و بی تردید هیچ ابزار سرکوب و یا زبان تهدیدی نخواهد توانست طوفان اعتراضات کارگری را منکوب و دوره ای دیگر از فقر و فلاکت را بر زندگی میلیونها خانواده کارگری تحمیل کند. اتحادیه آزاد کارگران ایران با تاکید بر حق مسلم کارگران برای برپائی اعتصاب و تجمع در هر نقطه و مکانی و در هر ابعادی، نسبت به اعمال هرگونه سیاست سرکوبگرانه ای در برخورد به اعتراضات کارگری و تشدید ستم بر طبقه کارگر ایران هشدار میدهد و به عنوان اولین قدم برای بهبود شرایط معیشتی کارگران مصرانه بر افزایش حداقل مزد به میزان دو میلیون تومان پای می فشارد و بدینوسیله کارگران و تشکلهای و نهادهای مرتبط با جنبش کارگری را به عکس العمل در برابر رویکرد دولت نسبت به سرکوب اعتراضات کارگری و اظهارات سخنگوی قوه قضائیه در این زمینه فرا می خواند.

اتحادیه آزاد کارگران ایران -  
۱۵ بهمن ماه ۱۳۹۲

کارگری در آستانه پایان سال و تعیین حداقل مزد به جایی رسیده است که دایره بازداشت و احضار کارگران معترض، دیگر محدود به اعضا تشکلهای و نهادهای مستقل کارگری نیست و هر کارگری، حتی اعضای تشکلهای دست ساز دولتی که بدلیل عدم پرداخت مزد، خواست افزایش مزد و یا مسائلی از قبیل اخراج صدایش در مییاید بطور هماهنگی هم از سوی کارفرما و هم از سوی نهادهای امنیتی و انتظامی بشدت مورد تعرض قرار میگیرد. وجود چنین وضعیتی مطلقاً امری اتفاقی در نتیجه تصمیم خودسرانه یک کارفرما و یا بخشی از نیروهای انتظامی و امنیتی نمیتواند باشد و نیست. اظهارات روز گذشته سخنگوی قوه قضائیه در برخورد به اعتراضات کارگری تحت عنوان نخ نمای حفظ نظم عمومی، خود بیش از هر استدلال دیگری موید تعرضی سازمانیافته و سیستماتیک به مطالبات صنفی کارگران و امنیتی کردن بیش از پیش اعتراضات کارگری است.

اظهارات سخنگوی قوه قضائیه و سیاست سرکوب توده های معترض کارگران در اقصی نقاط کشور چه از سوی کارفرمایان و چه از سوی نیروهای امنیتی بعنوان یک سیاست کاملاً مدون در دولت یازدهم و با صدارت ریعی بر وزارت کار زمانی قابل درک است که شرایط پیش روی اقتصادی در سال آینده مورد توجه قرار گیرد. بر این اساس و طبق بودجه سال آینده کارگران و مردم ایران با آغاز مرحله دوم قطع سوسیدها ها از تیر ماه سال ۹۳، شاهد تورمی بیش از ۴۰ درصدی در حاملهای انرژی و به تبع

زبان تهدید و تشدید سرکوب و ستم بر کارگران ایران راه به جایی نخواهد برد  
با گذشت هر روز از عمر دولت یازدهم، قرائین موجود حکایت از عزم بی سابقه این دولت برای سرکوب سیستماتیک اعتراضات کارگری با هدف سرریز کردن کل بار بحران اقتصادی کشور بر دوش طبقه کارگر دارد.

همین چند روز پیش بود که علیرغم اعتصاب پر شکوه کارگران شاغل ایران تایر (جنرال تایر سابق) برای جلوگیری از اخراج همکارانشان، آنان از طریق تهدید به عدم پرداخت دستمزدهایشان در شب عید، مجبور به شکستن اعتصاب و تن دادن به اخراج ۳۰۰ نفر از همکاران خود شدند. اوج این عمل ضد انسانی از سوی تیم تعدیل نیروی مستقر در کارخانه که از سوی بنیاد مستضعفان مامور اینکار شده است زمانی روشن میشود که بدانیم تا پایان سال ۵۰ روز بیشتر باقی نمانده و ۳۰۰ کارگر اخراجی برای شاغل شدن در جایی دیگر هیچ امکانش ندارند و خود و خانواده هایشان می باید در آستانه سال نو در گرسنگی مطلق فرو روند.

از سال گذشته که تحرك کارگران حول طومار چهل هزار نفری برای افزایش حداقل مزد آغاز شد برای اولین بار در سوم آذر ماه سالجاری تجمع آنان در محوطه وزارت کار مورد هجوم پلیس امنیت قرار گرفت و از اول بهمن ماه به این سو در طول مدت کوتاهی، بیش از ۴۰ نفر از کارگران معترض چادر ملو، پلی اکريل اصفهان، پتروشیمی فجر و سیمان لوشان مورد بازداشت قرار گرفتند.  
کار سرکوب اعتراضات

کارگر زندانی  
آزاد باید گردد

www.free-them-now.blogspot.com

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!